



بگیر ، ببند ، بکش! گور خود کنی بدست خود!

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جنایت تازه ای علیه توده های محروم و به پا خاسته ما آفرید. با تأیید قوه قضائیه، مصطفی صالحی، یک کارگر ساختمانی سی ساله که در دی ماه ۱۳۹۶ همچون دیگر کارگران و زحمتکشان، به حق دفاع از شرف و زندگی اش علیه ظلم و ستم و جنایات بیشرمانه طبقه حاکم در ایران به پا خاسته بود، توسط رژیم مدافع سرمایه داران زالو صفت مسلط بر جان و هستی توده های رنج دیده ما ، در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۹۹ در "کهریزسنگ نجف آباد" اعدام شد.

بیش از ۴۱ سال سلطه جمهوری اسلامی نشان داده است که زندان و شکنجه و اعدام، ابزار های شناخته شده جنایتکاران حاکم می باشند که برای در هم شکستن مقاومت و مبارزات توده ها علیه رژیم، به طور سیستماتیک بکار گرفته شده اند. رسانه های جمهوری اسلامی، از جمله خبرگزاری "میزان"، در توجیه این قتل ننگین مطرح کرده اند که مصطفی صالحی، این کارگر جان به لب رسیده، متهم بود که با شلیک تفنگ شکاری به "بسیجی پاسدار سجاد شاه سنایی" نامبرده را کشته است. صرف نظر از این که مصطفی به چنین عمل انقلابی ای دست زده بود یا نه، به این واقعیت هم باید توجه داشت که مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، زندانیان سیاسی را برای اعتراف گیری و حتی تحمیل خواست خود به آنان، تحت شدید ترین شکنجه ها قرار می دهند. از این رو اعترافات زندانی در زیر شکنجه های قرون وسطائی این مأموران بی همه چیز وزارت اطلاعات، از هیچ ارزش و اعتباری برخوردار نیست. اما جنایتکاران قوه قضائیه با استناد به سخنان قربانیان خویش در جریان بازجویی های مرگبار ، زندانیان را با توجیه "قانونی"، به مرگ و زندان های طویل المدت محکوم می کنند.

خیزش های بزرگ توده ای در دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ که طی آن توده ها با خشم و نفرت انباشته شده در وجودشان به صحنه مبارزه آمده و هر کجا که توانستند نهاد های حکومتی را زیر ضرب گرفته و مراکز سرکوب را به آتش کشیدند، پاسخ کارگران و زحمتکشان با همراهی دیگر توده های تحت ستم ایران به سرمایه داران و جمهوری اسلامی حامی آنان بود که استثمار وحشیانه نیروی کار، دیکتاتوری و مصیبت ها و فجایع بی حد و حصری را در جامعه ایران به وجود آورده اند. در تداوم این خیزش های انقلابی است که به رغم همه جنایات و بگیر و ببند رژیم ، باز ما شاهد مبارزات کارگران و ستمدیدگان هستیم که دست به تجمعات اعتراضی می زنند. واقعیت این است که احتمال شورش گرسنگان و خیزش هائی حتی عظیم تر و پر صلابت تر از دیماه و آبان ماه ، خواب از چشم سردمداران جمهوری اسلامی ربوده و آن ها را واداشته تا با توسل به هر جنایتی بکوشند ترس و وحشت را در سطح جامعه اشاعه دهند تا به خیال خام خود، سدی در برابر خیزش گرسنگان ایجاد نمایند. اما این یک واقعیت است که "شکم گرسنه را تو شلاق بزن ، فردا دوباره می آید توی خیابان!" و این یعنی "بگیر ، ببند ، بکش ، گور خود کنی به دست خود". بنابراین تا ظلم هست مبارزه هم هست و تا زمانی که نظام سرمایه داری و سرمایه داران حاکم، تحت حفاظت رژیم دیکتاتور و سرکوبگر جمهوری اسلامی چنین شرایط انباشته از فقر و گرسنگی و محرومیتی را به اکثریت آحاد جامعه تحمیل کرده اند، ترفند های بگیر، ببند، بکش! جمهوری اسلامی قادر به جلوگیری از خیزش گرسنگان و انقلاب آن ها نمی باشد. بر عکس، واکنش های وحشیانه این رژیم در بر پا کردن چوبه های دار و شکنجه و اعدام کارگران جوانی چون مصطفی صالحی، تنها به گرسنگان و پابرهنگان نشان می دهند که وحشت سر و پای دشمن را فراگرفته و آن ها باید خود را برای خیزش بزرگ فردا

هر چه بیشتر آماده سازند. بی دلیل نیست که جوانان انقلابی بر روی دیوارها می نویسند "بگیر ، ببند ، بکش - گور خود کنی بدست خود".

تجربه نشان داده که تا جمهوری اسلامی بر سر قدرت است، استفاده از حربه زندان و شکنجه و اعدام هم تمامی نخواهد داشت. برای رهایی از این اوضاع باید جمهوری اسلامی را به قدرت توده ها و با توسل به مبارزه مسلحانه به زیر کشید: "انقلاب سرخ ، راه توده ها"ست.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

زندان ، شکنجه ، اعدام ، نابود باید گردد!

جمهوری اسلامی ، دشمن زحمتکشان ، نوکر غارتگران ، نابود باید گردد!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۵ مرداد ۱۳۹۹ برابر با ۵ آگوست ۲۰۲۰